

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال چهاردهم، شماره چهل و پنجم، زمستان ۱۳۹۷

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۸/۰۱

تاریخ تصویب: ۹۷/۱۲/۲۱

صفحات: ۷۲ - ۵۵

تحلیل کاهش نفوذ دیپلماتیک اسرائیل در خاورمیانه پس از بهار عربی براساس مدل swot

مریم هاتفی

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

محمد حسن نامی

استاد گروه جغرافیای سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

نویسنده مسئول، ایمیل: Dr.m.h.nami@gmail.com

عزت اله عزتی

استاد گروه جغرافیای سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

ماهیت شکل‌گیری بهار عربی را نمی‌توان تنها در فقر اقتصادی و بیکاری جوانان عرب خلاصه کرد. عامل اساسی برای قیام مردم عرب، حس تبعیض و تحقیر ناشی از سرکوب ملت عرب طی دهه‌های گذشته توسط رژیم اشغالگر اسرائیل و همسویی رژیم‌های دیکتاتور این ملت‌ها با این رژیم است. ملت عرب از خویشتاوندسالاری، حکومت فاسد و مبتنی بر ارادت به اسرائیل خسته شده؛ موضوعی که دیکتاتورها اساساً معنای آن را درک نمی‌کنند. در این جریان اسلام‌گرا تندر و برای کسب هژمونی در منطقه خاورمیانه و افزایش محبوبیت خود در بین ملت عرب از طریق طرح انتقادات شفاهی علیه دولت اسرائیل، نفوذ دیپلماتیک این رژیم اشغالگر را در خاورمیانه محدود تر کردند. اسرائیل از این واقعیت مستثنی نیست که تحولات سیاسی در خاورمیانه پس از بهار عربی منجر به شکل‌گیری پیچیدگی‌های استراتژیک در این منطقه شده و تلاش اسرائیل در سیاست خارجی به سوی قدرت‌های منطقه‌ای همچون گذشته نخواهد بود. از این رو مقاله حاضر تلاش دارد با روشی توصیفی - تحلیلی و با استفاده از ماتریس‌های ارزیابی عوامل داخلی و خارجی بر اساس مدل SWOT کاهش نفوذ دیپلماتیک اسرائیل در خاورمیانه پس از بهار عربی را مورد بحث و بررسی قرار دهد.

واژگان کلیدی: بهار عربی، بیداری اسلامی، مشروعیت، بحران نفوذ.

مقدمه

ترس از ناآرامی‌های سیاسی پس از بهار عربی، منجر به شکل‌گیری تردیدهای بزرگی برای رژیم اشغالگر اسرائیل در مورد دورنمای سیاسی و استراتژیک منطقه خاورمیانه شده است. ترسناک‌ترین نتیجه برای اسرائیل قدرت‌یابی اسلام‌گرایان می‌باشد. این رژیم با منابع طبیعی و نفوذ دیپلماتیک محدود و دوستان اندک، نمی‌تواند انتظار داشته باشد که بر محیط خود در خاورمیانه تأثیر گذاشته و اهداف خود را در خارج از مرزهایش القا کند. در همین راستا اسرائیل باید خود را برای رویارویی با تمامی تهدیدات امنیتی که ممکن است از جهان پیرامونی عربی-اسلامی نشأت بگیرد، آماده سازد. نگرانی اسرائیل این است که آیا آمریکا در زمان‌های بحرانی تصمیم درستی در مورد مواضع خود با اسرائیل خواهد گرفت یا خیر! دشمنی واضح دولت آمریکا در زمان ریاست جمهوری اوباما و پیش از آغاز دوره ریاست جمهوری ترامپ در قبال نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل این حس عمومی را در میان دولت اسرائیل تقویت کرده است که آمریکا در زمان قدرت‌یابی مجدد حزب دموکرات آمریکا او را رها خواهد کرد و این فرضیه فشار زیادی بر اسرائیل تحمیل می‌کند.

مبانی نظری: بهار عربی

انقلاب‌ها و تحولات جاری در منطقه عربی یکی از برجسته‌ترین حوادث تاریخی در تاریخ معاصر اعراب محسوب می‌گردد. تحولات مذکور را نمی‌توان صرفاً نتیجه یک رشته اعتراض‌های موقتی و زودگذر مردم در بند حکومت‌های دیکتاتوری دانست. تحولات مذکور محدود به یک کشور خاص نبوده و اکثر کشورهای عربی منطقه خاورمیانه را در بر گرفت. از ویژگی‌های اصلی این تحولات می‌توان به تظاهرات میلیونی مردم، حضور گسترده جوانان، توجه به مباحث کلان امت اسلامی و تحقق نتایج در دوره‌های زمانی مشابه اشاره نمود. به این ترتیب، تحولات مذکور منجر به تغییر نظام‌های حاکم بر کشورهای تونس و مصر گردید. این تحولات همچنین در برخی از کشورها همچون یمن و لیبی (اگرچه اعتراضات در این کشور به دلیل ماهیت نظامی این کشور به اشکال مسلحانه ظاهر گردید) تاکنون موفق به ایجاد تغییرات بسیاری گردیده و در برخی دیگر از کشورهای عربی مانند اردن، بحرین، عمان، مراکش و الجزایر باعث افزایش سطح آزادی‌های فردی و اجتماعی شده است. علاوه بر این، کشورهای

همچون عربستان سعودی و کویت نیز مبادرت به انجام برخی اصلاحات قانونی و مدیریتی ورزیدند. در نهایت آخرین ویژگی تحولات اخیر در منطقه را می‌توان توانایی انقلابیون در استفاده از روش‌های رسانه‌ای و وسایل ارتباط جمعی مدرن (اینترنت، فیس بوک، توئیتر و ...) و نقش پوشش رسانه‌ای فعال و موثر کانال‌های ماهواره‌ای به ویژه شبکه الجزایر دانست. (صالح، ۲۱:۱۳۹۶)

بیداری اسلامی

حضرت آیت الله سید علی خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه خود در تاریخ ۱۳۸۹/۱۱/۱۵ ماهیت انقلاب در کشورهای عربی را از جنس بیداری اسلامی دانستند. ایشان در آن خطبه بیان داشتند: "حوادث امروز شمال آفریقا، کشور مصر، کشور تونس، برخی کشورهای دیگر، برای ما ملت ایران معنای دیگری دارد، معنای خاصی دارد؛ این همان چیزی است که همیشه به عنوان حدوث بیداری اسلامی، به مناسبت پیروزی انقلاب بزرگ اسلامی ملت ایران گفته می‌شد؛ امروز خودش را دارد نشان می‌دهد."

کسری مشروعیت

طبق روال کلاسیک، دولت نامشروع دولتی است که حکام آن نه وجاهت کارزماتیک دارند، نه طبق موازین سنتی (شیخوخیت، وراثت، اشرافیت) به حکمرانی رسیده‌اند و نه به شیوه قانونی (دموکراتیک) انتخاب شده‌اند. رویه مدرن و متعارف مشروعیت عبارت است از توانایی مردم (مطابق موازین پیش‌بینی شده در قانون) برای انتخاب، نظارت و عزل مسالمت‌آمیز حکام. بر این اساس، دولت‌های مشروع که عمدتاً کارآمد هم می‌شوند، دولت‌هایی هستند که حکومت آن‌ها مقتدر است، یعنی مردم از قوانین و مقررات آن‌ها به دلایل متعدد هویتی و منفعتی پشتیبانی و پیروی می‌کنند. چنین دولتی، متعلق به همه مردم است و مناصب حکومتی آن در انحصار گروه‌های مشخصی نیست. (جکسون، ۱۹۹۳: ۱۴۰)

مشروعیت عمودی

مشروعیت عمودی، که طی آن اختیارات به صورت قانونی و معقول در سلسله مراتب توزیع

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و پنجم، زمستان ۱۳۹۷ —
شده و فرمانبری مناصب از پایین از بالا به صورت قاعده‌مند و مرضی الطرفین انجام می‌شود.
به عبارت دیگر، اطاعت صاحبان مشاغل پایین از بالا، نه به حکم ترس یا طمع که به واسطه
اقتناع صورت می‌پذیرد. در واقع مشروعیت عمودی به سازوکارهای توزیع قانع‌کننده قدرت توجه
دارد. (جکسون، ۱۹۹۳: ۱۴۱)

مشروعیت افقی

مشروعیت افقی عبارت است از احساس تعلق به ملت و اولویت منافع ملی بر ملاحظات
خویشاوندی، قبیله‌ای، فردی، جناحی، قومی و مذهبی. به لحاظ مشروعیت افقی، ملل دنیا را
می‌توان به سه دسته منسجم (مانند کره جنوبی)، آسیب پذیر (مانند عراق) و متزلزل (مانند
افغانستان) تقسیم کرد. (جکسون، ۱۹۹۳: ۱۴۲)

کسری مشروعیت و کشورهای عربی

بیشترین کسری مشروعیت هنگامی است که مشروعیت افقی، گسیخته و مشروعیت
عمودی، دچار فساد و ناکارآمدی شود. در بین کشورهای عربی که در سال ۲۰۱۱ در پی بهار
عربی دستخوش تغییر شده‌اند، کسری مشروعیت عمودی در اوج خود بود، اما مشروعیت افقی
آسیب چندانی ندیده بود. در سال‌های ابتدایی قرن ۲۱ تا سال ۲۰۱۱ در کشورهای تونس، مصر،
لیبی، و یمن کوشش سازمان یافته و مداومی برای تجزیه، کودتا و براندازی گزارش نشده، اما
توزیع ثروت و قدرت در این کشورها، به شدت مورد اعتراض جامعه بوده است.
از این رو دولت‌های مشروع دارای حاکمیت مؤثر قانون، تضمین کننده امنیت مردم در برابر
تهدیدات خارجی و چپاول داخلی، حافظ آزادی مدنی و سیاسی، گردش مسالمت‌آمیز نخبگان و
حق برابر برای انتخاب کردن و انتخاب شدن هستند و در دولت‌های فاقد مشروعیت،
خویشاوندسالاری، حکومت مادام العمر رؤسای جمهور و تشریفاتی بودن انتخابات دیده می‌شود
که قرائن آن را می‌توان در حکومت ۶۲ ساله معمر قذافی، فساد گسترده خاندان زین‌العابدین بن
علی در تونس، تقلب گسترده در آخرین انتخابات پارلمانی مصر و اختناق سیاسی در یمن، و
بحرین مشاهده کرد.

ضعف اقتصاد ملی

اقتصاد ملی ضعیف را می‌توان با توجه به کارکردهای اقتصاد ملی قوی درک کرد. اقتصاد ملی قوی اقتصادی است که قادر به تدارک سطح اولیه رفاه برای مردم باشد. همچنین، اقتصاد ملی قوی همواره ارزش افزوده ایجاد می‌کند و عوارضی چون بیکاری، رکود، کسری بودجه، سرمایه‌گذاری اندک و اختلال در مقررات مالی آن موقتی‌اند. اقتصادهای ملی ضعیف در گام اول از تأمین نیازهای اولیه مردم نظیر امنیت غذایی، بهداشت، آموزش، حمل و نقل و سرپناه عاجزند و همین امر موجب بروز مخاطرات دیگری نظیر جنگ داخلی، نسل‌کشی، جنایات سازمان یافته و به طور کلی، ناامنی می‌شود. (جاب، ۱۹۹۷: ۵۵)

بحران نفوذ

دولت در مانده، به واسطه فقر منابع و نیز دشواری‌های مربوط به صلاحیت، نمی‌تواند در تمام قلمرو سرزمینی خود حضور مقتدرانه و تعیین‌کننده داشته باشد. لشکر کشی موسمی، خلق اختلاف بین نیروهای محلی و جذب نخبگان حاشیه، سه راهبردی هستند که دولت در مانده در پیش می‌گیرد تا مانع تجزیه سرزمینی شود. متعارف‌ترین راه‌حل چنین دولتی برای تداوم کنترل خود بر مناطق حاشیه‌ای، وابسته نگهداشتن ساکنان حاشیه به منابع حیاتی از قبیل سوخت، غلات و امنیت است. اگر منطقه مزبور به لحاظ منابع طبیعی غنی باشد، دولت‌ها سعی می‌کنند مدیریت محلی منطقه را تحت کنترل نگهدارند. به محض اینکه دولت مرکزی در تداوم کنترل بر همه قلمرو خود به مشکل برخورد کند، گروه‌های حاشیه‌ای مقاومت نموده و بحران نفوذ دولت را افزایش می‌دهند. امروزه با مسلح شدن گروه‌های معترض و یاغی، درماندگی دولت مرکزی عمق بیشتری یافته است. در صورتی که گروه متمرکز از تسلیحات نظامی، حمایت خارجی و عمق استراتژیک کافی برخوردار باشد، بحران نفوذ دولت مرکزی بیشتر و بیشتر می‌شود، اما اگر دولت مرکزی بتواند با شناسایی منطقه بحرانی، نیروهای بیشتری را به آنجا گسیل نماید، آنگاه نفوذ خود را تثبیت و از بروز بحران جلوگیری می‌نماید. (میلیکن، ۱۹۹۲: ۲۵)

۱- نظریه: دولت در مانده

محرومیت یا احساس محرومیت مردم و خیزش آن‌ها برای تغییر را با استناد به نظریه

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و پنجم، زمستان ۱۳۹۷ —

دولت درمانده می‌توان بررسی نمود. مطابق این نظریه، دولتی که نتواند کارهای عمومی نظیر تدارک رفاه اولیه، آموزش همگانی، حل و فصل نزاع بین افراد و گروه‌های اجتماعی، توزیع خدمات بهداشتی و نیز کارهای ویژه نظیر حمایت از طبقه مؤثر یا طبقه وفادار خود را به انجام رساند، با تقاضای شدید مردم برای تغییر مواجه می‌شود. دولت در مانده، به واسطه کسری صلاحیت (مشروعیت)، فرسودگی منابع، شکنندگی مالی، بی‌تجربگی سیاسی و ناتوانی در تشخیص حجم و عمق مطالبات معترضین، از درک و درمان اوضاع بحرانی عاجز است و از این رو، زمینه‌ساز انقلابی تمام عیار می‌شود و انقلابیون انتظار دارند دولت انقلابی همه کمبودهای دولت پیشین را تأمین کند (گریفیس، ۱۳۸۸: ۶۹۳)

نظریه: خیزش ملت عرب علیه تحقیر

ملت عرب ده‌ها سال است از سوی استعمار و استبداد نادیده گرفته می‌شود و تلاش آن‌ها برای رهایی از چنگال استعمار و دیکتاتوری، مدام شکست می‌خورد. از این منظر، پس از جنگ جهانی دوم که چندین کشور عربی به فهرست کشورهای جهان افزوده شد، بازیگری به نام اسرائیل تأسیس گردید و این بازیگر کوچک، به نمایندگی از استعمارگران سابق، در جنگ‌های متعددی، سپاه میلیونی اعراب را شکست داده و سرزمین‌های پهناوری را به اشغال خود در آورد. بر این مبنای نظریه خیزش علیه تحقیر بر این نکته دلالت دارد که فقر، بیکاری و استبداد فقط تسریع‌کننده خیزش هستند و موتور محرکه خیزش، تحقیری است که به مرور زمان انباشته شده و کرامت انسانی شهروندان را مخدوش و نابود ساخته است. (کاساگراند، ۱۳۸۹: ۱۲) اعراب نیم قرن است در جستجوی راهی برای رهایی از این تحقیر عظیم بوده‌اند.

اسرائیل و نظریه قیام علیه تحقیر

از دید اعراب، نخستین و اصلی‌ترین عامل تحقیر آن‌ها، سیاست‌های سخت‌گیرانه و تجاوزکارانه اسرائیل است که با تداوم و گسترش سیاست‌هایی چون شهرک‌سازی، آواره‌سازی، محاصره، ترور و حمله نظامی، ضمن تضعیف اعراب، بر قدرت خود می‌افزاید. اکنون به مدد رسانه‌های مدرن بین‌المللی، جزئیات این تحقیر در دسترس اعراب است، آنان قدرت، ثروت، حیثیت و منزلت خود را با ساکنان سایر نقاط دنیا مقایسه و توقعات خود را متوجه حکومت

تحلیل کاهش نفوذ دیپلماتیک اسرائیل در خاورمیانه ۵
می‌نماید. حکومت‌هایی که به واسطه انتقاداتستیزی و حامی پروری، به صورت سازمان یافته
ارادت را جایگزین لیاقت ساخته‌اند. (شاذلی، ۲۸۵:۱۳۸۵)

تأثیر بهار عربی بر امنیت رژیم صهیونیستی

اگرچه موج گسترده قیام‌های مردمی در کشورهای عرب زبان در حال فروکش کردن است،
اما این قیام‌ها تأثیرات بسزایی را در منطقه به جای گذاشته‌اند. سه رژیم اقتدار طلب سرنگون
شده و هم‌اکنون بقیه کشورهای عربی با سطوح متفاوتی از مشکلات و تنش‌ها مواجه هستند.
ظهور تغییرات سیاسی و استراتژیک در منطقه، موجب ایجاد پیچیدگی‌های مهمی در امنیت
ملی اسرائیل شده است انقلاب‌های منطقه‌ای در توقف پیشرفت‌های مهم در دیپلماسی
اسرائیلی - عربی و همچنین افزایش قدرت و نفوذ دیگر کشورها در منطقه و استمرار کاهش نفوذ
آمریکا در خاورمیانه و همچنین تشجیح افراط‌گرایان تأثیر شگرفی داشته است.

منطقه پر تنش و اسرائیل

خطر اسلام‌گرایان افراطی برای اسرائیل

کشورهای عربی در مقایسه با سایر بازیگران بین‌المللی از لحاظ آزادی‌های اجتماعی، حقوق
سیاسی، آموزش، برابری جنسیتی و تولید اقتصادی در سطوح پایین‌تری قرار دارند. (صحیفه
اسرائیل الیوم، ۲۰۱۱:۷)

بنیامین نتانیا هو نخست‌وزیر اسرائیل بارها نسبت به این خطر هشدار داده که مصر به مسیر
اسلام‌گرایی خواهد رفت. (صحیفه هارتس، ۲۰۱۱: ۱۶) اسلام‌گرایان افراطی، قدرتمندترین و
سازمان یافته‌ترین نیروی مخالف در اکثر کشورهای عربی هستند و بیشترین سود را از تغییر
صلح آمیز یا خشونت آمیز رژیم‌های حاکم خواهند برد. رژیم‌های انقلابی در هر جایی که باشند
علاقه شدیدی به بروز رفتارهای جنگ طلبانه طی سال‌های اولیه کسب قدرت خود دارند؛ در
منطقه خاورمیانه نیز آن‌ها اغلب می‌خواهند چنین رفتاری از خود نشان دهند. (القناه العاشره،
۲۰۱۱: ۳۵)

اگر نیروهای سیاسی لیبرال و سکولار ضعیف و یا دچار چند دستگی باشند روند دموکراسی
سازی می‌تواند تأثیرات غیرقابل پیش‌بینی داشته باشد. اخوان المسلمین که تعهد آن به
دموکراسی در بهترین حالت تردید برانگیز است، به عنوان قویترین نیروی معارض در مصر

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و پنجم، زمستان ۱۳۹۷ —
کنونی تلقی می شود شواهد تاریخی نشان می دهد حتی در کشورهایی که دولت به صورت
آزادانه و براساس آرا مردم به قدرت می رسد، دولت هایی که گذار دموکراتیک را تجربه می کنند،
نسبت به حکومت های استبدادی و دیکتاتوری جنگ طلب تر هستند. (القناه العاشره، ۲۰۱۱: ۳۸)

کنترل نیروهای نظامی مخالف بر تسهیلات نظامی در جریان بهار عربی

همچنان که دولت های عرب کنترل خود بر مناطق مختلف کشور را از دست می دهند،
نیروهای نظامی مخالف و تروریست ها آزادی عمل بیشتری به دست می آورند علاوه بر این
مقادیر زیادی از تسلیحات نظامی متعارف و غیرمتعارف که به طور معمول از سوی رژیم های
اقتدارطلب انباشته شده است می تواند در اختیار دست های ناپاک و آلوده قرار گیرد. براساس
گزارش های رسیده، پس از سقوط حکومت معمر قذافی بسیاری از موشک های ضد هوایی و
موشک های نارنجک انداز ضد تانک در اختیار تروریست ها قرار گرفته است. (موقع الاخباری،
۲۰۱۱: ۱)

اقلیت های نژادی - فرقه ای عربی و افزایش روابط فراملی در جریان بهار

عربی

از آنجا که بسیاری از کشورهای عربی از اقلیت های نژادی - فرقه ای تشکیل شده اند که
روابط فراملی قدرتمندی با قدرت های خارجی دارند. وقوع جنگ داخلی، مداخلات نظامی خارجی
را تسهیل می کند. به دلیل تنوع موجود، این کشورها بیشترین پتانسیل را برای وقوع
درگیری های داخلی در خاورمیانه و تبدیل آن به رویارویی منطقه ای دارند.

کاهش نفوذ آمریکا در جریان بهار عربی در منطقه خاورمیانه

همچنان که رژیم های عربی به لرزه در آمده و یکی پس از دیگری فرو می پاشند، نفوذ
واشنگتن در خاورمیانه رو به تنزل گذاشته است بخشی از این مسئله به سیاست های تعدمی
دولت آمریکا در زمان اوباما در برقراری روابط حسنه چند جانبه با کشورهای دیگر بر می گردد که
این سیاست ها با هدف محدود کردن تعهدات خارجی آمریکا، بازیابی جایگاه این کشور در جهان
و انتقال مسئولیت های آن به شرکای جهانی طراحی شده است؛ بخش دیگر نیز به پاسخ های

تحلیل کاهش نفوذ دیپلماتیک اسرائیل در خاورمیانه ۵
متناقض و گیج کننده آمریکا در تبیین حوادث خاورمیانه مربوط می‌شود. (اسرائیل الیوم، ۲۰۱۱: ۱)

سردرگمی اسرائیل در برابر تناقضات رفتار آمریکا در قبال متحدان خود در زمان اوباما

رفتار دولت اوباما در مسیر بهار عربی تناقضات بسیاری داشت به عنوان مثال موضع آمریکا در قبال برکناری حسنی مبارک رئیس جمهور مصر که سه دهه هم پیمان وفادار آمریکا بود در مقایسه با موضع این کشور در قبال سایر دولت‌های عربی متاثر از بیداری اسلامی بسیار سریع‌تر و صریح‌تر صورت پذیرفت. چرخش واشنگتن در قبال مبارک، (درست یا نادرست) این تصور را در افکار عمومی منطقه به ویژه اسرائیل ایجاد کرد که واشنگتن به وفادارترین دوست خود خیانت کرده است. (اسرائیل الیوم، ۲۰۱۱: ۱۱) انتقادهای آمریکا علیه مداخله نظامی ریاض در حمایت از خاندان آل خلیفه بحرین در مارس ۲۰۱۱ موجب شگفتی اسرائیل شد. (القناه الثانيه، ۲۰: ۲۰۱۱) مسئله دیگری که موجب شگفتی و سردرگمی اسرائیل در خاورمیانه شد، رها کردن قذافی از سوی آمریکا بود. قذافی کسی بود که در سال ۲۰۰۳ تمامی سلاح‌های کشتار جمعی خود را در اختیار غرب قرار داده و با آن‌ها همکاری نمود. درسی که بسیاری از رژیم‌های خاورمیانه از رویکرد غرب نسبت به لیبی گرفتند این بود که بهتر است برنامه‌های مربوط به سلاح‌های کشتار جمعی را حفظ نموده و تداوم بخشند چرا که سرنوشت قذافی به داستانی تهدید آفرین برای حکومت‌های استبدادی تبدیل شده است.

تصمیم واشنگتن در جولای ۲۰۱۱ م برای گشودن باب مذاکره و گفتگو با اخوان المسلمین مصر منجر به کاهش اعتبار آمریکا به عنوان بازیگر سیاسی هوشمند و هم پیمان قابل اعتماد در خاورمیانه برای اسرائیل گردید. علاوه بر این عقب‌نشینی نیروهای آمریکایی از عراق و افغانستان، تمایل دولت اوباما به خیانت علیه هم پیمان خود (اسرائیل) و سردرگمی دولت آمریکا را در زمان دولت دموکراتیک اوباما برای رژیم صهیونیستی تقویت کرد.

افزایش نفوذ مخالفان اسرائیل پس از بهار عربی

انقلاب‌های عربی موجب افزایش قدرت و نفوذ کشورهای مخالف اسرائیل در منطقه شده‌اند. نیاز کشورهای عربی و متحد با رژیم صهیونیستی برای تمرکز بر مشکلات داخلی، موجب

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و پنجم، زمستان ۱۳۹۷ —
کاهش توانایی این کشورها در اعلام هویت خود در خارج از مرزهایشان و مقابله با نفوذ کشورهای مخالف اسرائیل در منطقه شده است.

تمامی مخالفین اسرائیل در منطقه از سوی نیروهای اسلام گرا مدیریت می‌شوند، از انقلاب‌های عربی حمایت کرده و به صورت آشکارا تظاهرات کنندگان بیداری اسلامی را به ویژه در کشورهای مصر، تونس و لیبی تشویق به سرنگونی حکومت‌های دیکتاتوری کردند. کشورهای عرب متحد با اسرائیل به قدری گرفتار مشکلات داخلی هستند که قدرت مواجهه و مقابله با نفوذ مخالفین اسلام گرا را ندارد. (یدیعوت اخرونوت، ۲۰۱۱: ۱۶)

کاهش اعمال فشار بر رهبران عرب به منظور صلح با اسرائیل در زمان ریاست جمهوری اوباما

کاهش نفوذ آمریکا در منطقه نشانه خوبی برای دورنمای پیشرفت‌های دیپلماتیک میان دولت یهودی با همسایگانش نیست. همسایگان اسرائیل تنها از سر ناچاری و مواجهه با عمل انجام شده که قادر به مقابله با آن نبودند، اسرائیل را پذیرفتند. از سوی دیگر، واشنگتن به لحاظ تاریخی، نقش مهمی را در راستای کشاندن بازیگران عرب به پای میز مذاکره و محدود کردن تفاوت‌ها و اختلاف‌ها در طول مذاکرات و کاستن از نگرانی‌های اسرائیل در ریسک کردن برای صلح ایفا کرده است. (صحیفه معاریف، ۲۰۱۱: ۲)

با این وجود در زمان دولت اوباما نسبت به روسای جمهوری پیشین و فعلی آمریکا (ترامپ) علاقه و توانایی کمتری برای اعمال فشار بر رهبران عرب به منظور صلح با اسرائیلی‌ها وجود داشت و این رییس جمهور علاقه اندکی به جبران تهدیدات امنیتی اسرائیل در جریان بهار عربی نشان می‌داد.

از زمانی که با خروج واشنگتن از منطقه، افراط‌گرایان قدرت بیشتری یافته‌اند رهبران عرب و حامی آمریکا به این نتیجه رسیده‌اند که حمایت آمریکا از آنان گذرا و بی دوام است و اساسا ارزشی ندارد که برای به رسمیت شناختن اسرائیل (به منظور جلب رضایت آمریکا) و همچنین ایجاد نارضایتی در میان شهروندان عربی که از کودکی با شعار ضد صهیونیستی پرورش یافته‌اند، موقعیت سیاسی خود را در معرض خطر قرار دهند.

کمرنگ شدن تمایل دولت‌های جدید خاورمیانه برای صلح با اسرائیل پس از

بهار عربی

تاکید بر دموکراسی در جریان اعتراضات بهار عربی، موجب تغییر نگرش رهبران تازه به قدرت رسیده عرب برای صلح با اسرائیل نخواهد شد و در مقابل این رهبران ترجیح خواهند داد تا برای کسب رضایت افکار عمومی خود از روابط با اسرائیل بکاهند. براساس نظرسنجی صورت پذیرفته در آوریل سال ۲۰۱۱، بالغ بر ۵۴ درصد شهروندان مصری خواهان پایان دادن کشورشان به پیمان کمپ دیوید (پیمان صلح بین مصر و اسرائیل) شدند. کاملاً واضح است که با افزایش نفوذ و قدرت نیروهای داخلی ضد اسرائیلی، تداوم پیمان‌های صلح اسرائیل با مصر و اردن با خطرات بزرگی مواجه خواهد شد. (صحیفه هارتس، ۲۰۱۱: ۲۶)

صحرای سینا بزرگترین پایگاه ضد اسرائیلی

اولین عملکرد ضد صهیونیستی مقامات دولتی مصر پس از بهار عربی در قبال اسرائیل، اجازه آن‌ها در سپتامبر ۲۰۱۱ به توده‌های خشمگینی برای حمله به سفارت اسرائیل بود که در نهایت سفیر و کارمندان را مجبور به تخلیه سفارت کردند. دومین عملکرد ضد اسرائیلی مصر، عدم تامین امنیت کافی در صحرای سینا واقع در مرزهای مصر و غزه است.

از زمان سقوط دولت مبارک خط لوله انتقال گاز طبیعی بین اسرائیل و مصر ۶ بار مورد حمله قرار گرفته است. این انفجارها اسرائیل را مجبور کرد تا برای تولید برق از موتورهای دیزلی و نفتی گران قیمت استفاده کند که برای اسرائیل برای مدت ۲ ماه به طور میانگینی روزانه ۲/۷ میلیون دلار هزینه بر جای گذاشته است. همچنین حملات پی در پی به ایلات صحرای سینا نشان می‌دهد صحرای سینا ممکن است به بزرگترین پایگاه ضد اسرائیلی تبدیل شود. (یدیعوت اخرونوت، ۲۰۱۱: ۱۱)

خطر سقوط دولت اردن هم پیمان صلح با اسرائیل

اسرائیل از سال ۱۹۹۴ که با دولت اردن پیمان صلح به امضا رسانده است روابط استراتژیک قوی با این کشور داشته و مرزهای مشترک دو طرف نسبتاً امن بوده است. از سوی دیگر، اردن با دادن کمترین خسارت بحران سهمگینی که منطقه خاورمیانه را فرا گرفته، با موفقیت پشت

❖ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و پنجم، زمستان ۱۳۹۷ —

سر گذاشت؛ بدون آنکه لطمه‌ای به روابط دوستانه خود با اسرائیل وارد کند. با این وجود با قدرت‌یابی اسلام‌گرایان افراطی در منطقه، اردنی‌ها راه سختی برای نجات از بحران انقلاب‌های منطقه‌ای در پیش خواهند داشت. در صورت سقوط حکومت اردن نیروهای مخاصم می‌توانند مثلث تل‌آویو- اورشلیم- حیفا را که بیشتر جمعیت و زیر ساخت‌های اقتصادی اسرائیل در این شهرها قرار دارند، در معرض خطر قرار دهند (اورشلیم با مرزهای اردن تنها ۲۰ مایل فاصله دارد) (موقع اذاعه الجیش، ۲۰۱۱:۳)

جدول ۱: ماتریس ارزیابی نقاط ضعف (IFE)

امتیاز وزن دار	امتیاز	وزن	ماتریس ارزیابی نقاط ضعف	نقطه
۰/۱۰	۲	۰/۰۵	کسری مشروعیت رژیم اشغالگر اسرائیل در خاورمیانه	
۰/۱۰	۲	۰/۰۵	کسری مشروعیت افقی دولت رژیم اشغالگر اسرائیل	
۰/۴۵	۳	۰/۱۵	کاهش کمک‌های آمریکا در زمان ریاست جمهوری اوباما به رژیم اشغالگر اسرائیل	
۰/۶	۴	۰/۱۵	سردرگمی دولت رژیم اشغالگر اسرائیل در برابرتناقضات رفتار آمریکا در قبال متحدان خود	
۰/۳	۳	۰/۱	خطر سقوط دولت ملک عبدالله هم پیمان صلح با اسرائیل	
۰/۲	۲	۰/۱	افزایش قدرت سیاسی اخوان المسلمین با موضعی خصمانه‌تر در قبال اسرائیل	
۰/۴۵	۳	۰/۱۵	گرایش به انزوا طلبی و محافظه کاری رژیم صهیونیستی پس از بهار عربی	
۰/۱۰	۲	۰/۰۵	افزایش بحران نفوذ دولت مرکزی رژیم اشغالگر اسرائیل در پی بهار عربی	
۰/۱۰	۲	۰/۰۵	ایجاد پیچیدگی‌های مهم در امنیت ملی اسرائیل در پی بهار عربی و ظهور تغییرات سیاسی و استراتژیک در منطقه خاورمیانه	
۰/۶	۴	۰/۱۵	توقف پیشرفت‌های مهم در دیپلماسی اسرائیلی- عربی پس از شکل‌گیری بهار عربی	
۳		۱	جمع	

جدول ۲: ماتریس ارزیابی نقاط قوت (IFE)

رتبه	ماتریس ارزیابی نقاط قوت	وزن	امتیاز ز	امتیاز وزن دار
	چند دستگی نیروهای سیاسی لیبرال و سکولار در روند دموکراسی سازی کشورهای عرب پس از بهار عربی	۰ / ۰.۵	۲	۰ / ۱
	شکل گیری رژیم اشغالگر اسرائیل به عنوان نماینده استعمارگران در خاورمیانه	۰ / ۰.۵	۲	۰ / ۱
	شکست اعراب توسط رژیم اشغالگر اسرائیل در جنگ‌های متعدد و افزایش قدرت این رژیم	۰ / ۰.۵	۱	۰ / ۵
	سیاست‌های سخت گیرانه و تجاوزکارانه رژیم اشغالگر اسرائیل در منطقه خاورمیانه و افزایش قدرت این رژیم	۰ / ۱.۵	۲	۰ / ۳
	شهرک سازی یهودیان در فلسطین اشغالی و افزایش قدرت رژیم اشغالگر اسرائیل	۰ / ۱.۵	۳	۰ / ۴
	آواره سازی اعراب و افزایش قدرت رژیم اشغالگر اسرائیل	۰ / ۱.۵	۳	۰ / ۴
	ایجاد محاصره برخی مناطق عربی و افزایش قدرت رژیم اشغالگر اسرائیل	۰ / ۱	۲	۰ / ۲
	افزایش ترور و حمله نظامی سازمان یافته توسط اسرائیل در منطقه خاورمیانه و افزایش قدرت رژیم اشغالگر اسرائیل	۰ / ۱	۳	۰ / ۳
	افزایش حمایت‌های سیاسی دولت آمریکا در زمان ریاست جمهوری ترامپ پس از بهار عربی از رژیم اشغالگر اسرائیل	۰ / ۱	۲	۰ / ۲
	تجهیز تسهیلاتی رژیم اشغالگر اسرائیل در زمان ریاست جمهوری پس از بهار عربی	۰ / ۱	۲	۰ / ۲
	جمع	۱	۵	۲.۳

جدول ۳: ماتریس ارزیابی فرصت‌ها (EFE)

رتبه	ماتریس ارزیابی فرصت‌ها	وزن	امتیاز ز	امتیاز وزن دار
	کسری مشروعیت عمودی کشورهای عربی قبل از بهار عربی	۰ / ۲	۳	۰ / ۶
	کسری مشروعیت افقی دولت‌های شکل یافته پس از بهار عربی	۰ / ۱	۳	۰ / ۳
	کسری مشروعیت دولت‌های دیکتاتور عربی	۰ / ۰.۵	۲	۰ / ۱

❖ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و پنجم، زمستان ۱۳۹۷ —

۰/۱	۲	۰	کسری مشروعیت عمودی دولت‌های شکل یافته پس از بهار عربی	
۰/۱	۲	۰	اقتصاد ملی ضعیف دولت‌های شکل یافته پس از بهار عربی	
۰/۱	۲	۰	درماندگی دولت‌های مرکزی جهان عرب به ویژه از سال ۲۰۱۱	
۰/۳	۳	۰	شکست ملت‌های عرب در جنگ‌های متعدد با رژیم اشغالگر اسرائیل	
۰/۳	۳	۰	تضعیف حکومت های عرب در پی بسط و گسترش فرهنگ حامی پروری در حکومت به جای لیاقت پروری	
۰/۴	۳	۰	افزایش حس نزدیکی بین اورشلیم و واشنگتن در زمان ریاست جمهوری ترامپ پس از بهار عربی	
۰/۴	۳	۰	آشننگی های خارومیانه پس از بهار عربی بر جایگاه اسرائیل به عنوان قابل اعتمادترین هم پیمان منطقه‌ای واشنگتن تاکید می کند	۰
۲/۸		۱	جمع	

جدول ۴: ماتریس ارزیابی تهدیدها (EFE)

رتبه	ماتریس ارزیابی تهدیدها	وزن	امتیاز	امتیاز وزن دار
	بحران نفوذ رژیم اشغالگر اسرائیل در منطقه خاورمیانه پس از بهار عربی	۰	۴	۰/۶
	مقاومت گروه‌های حاشیه‌ای شکل یافته در برابر رژیم اشغالگر اسرائیل پس از بهار عربی	۰	۲	۰/۲
	مسلح شدن گروه‌های معترض و یابی در اطراف رژیم اشغالگر اسرائیل	۰	۲	۰/۳
	فراگیر شدن رسانه‌های مدرن بین‌المللی و آگاهی ملت عرب از جزئیات تحقیرشان توسط رژیم اشغالگر اسرائیل	۰	۲	۰/۲
	افزایش قدرت اقلیت‌های نژادی-فرقه‌ای عربی با روابط فراملی در همسایگی رژیم اشغالگر اسرائیل	۰	۳	۰/۲
	افزایش صلح سرد بین قاهره و اورشلیم پس از بهار عربی	۰	۲	۰/۱
	مدیریت تمامی مخالفین رژیم اشغالگر اسرائیل در منطقه از سوی نیروهای اسلام گرا	۰	۳	۰/۴
	کاهش اعمال فشار بر رهبران عرب به منظور صلح با اسرائیل در زمان ریاست جمهوری اوباما	۰	۲	۰/۱
	کمرنگ شدن تمایل دولت‌های جدید خاورمیانه برای صلح با اسرائیل پس از بهار عربی	۰	۳	۰/۳

تحلیل کاهش نفوذ دیپلماتیک اسرائیل در خاورمیانه

۰/۱	۰	۰	عدم تامین امنیت کافی در صحرای سینا واقع درمرزهای مصر و غزه و شکل‌گیری بزرگتری پایگاه ضد اسرائیلی در منطقه	۰
۲/۵	۵	۱	جمع	

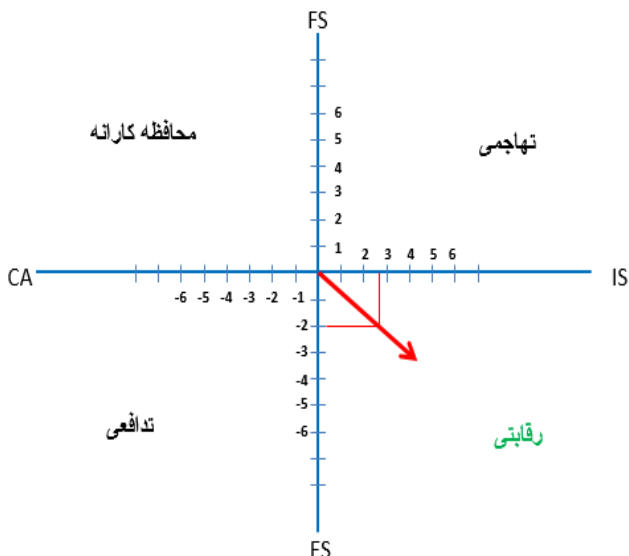
ESPACE جدول ۵: ماتریس

امتیاز	ظهور تغییرات سیاسی و استراتژیک	امتیاز	افزایش تهدیدات امنیتی	امتیاز	بحران نفوذ	امتیاز	مشروعیت
-۳	مدیریت تمامی مخالفین رژیم اشغالگر اسرائیل در منطقه از سوی نیروهای اسلام گرا	۲	مقاومت گروه‌های حاشیه‌ای شکل‌یافته	۳	بحران نفوذ و کشور های عربی	۵	کسری مشروعیت
-۲.۵	ایجاد پیچیدگی‌های مهم در امنیت ملی اسرائیل در پی بهار عربی و ظهور تغییرات سیاسی و استراتژیک در منطقه خاورمیانه	۳	شکل‌گیری صحرای سینا به عنوان بزرگترین پایگاه ضد اسرائیلی	۳	بحران نفوذ رژیم اشغالگر اسرائیل	۴	کسری مشروعیت عمودی
-۳	افزایش قدرت سیاسی اخوان المسلمین با موضعی خصمانه‌تر در قبال اسرائیل	۲	فراگیر شدن رسانه‌های مدرن بین‌المللی و آگاهی ملت عرب از جزئیات تحقیرشان توسط رژیم اشغالگر اسرائیل	۳	بحران نفوذ آمریکا در خاورمیانه	۳	کسری مشروعیت افقی
-۲	چند دستگی نیروهای سیاسی لیبرال و سکولار در روند دموکراسی سازی کشورهای عرب پس از بهار عربی	۴	مسلح شدن گروه‌های معترض و یاغی در اطراف رژیم اشغالگر اسرائیل	۴	افزایش نفوذ مخالفین رژیم اشغالگر اسرائیل در منطقه		
		۳	عدم تامین امنیت کافی در صحرای سینا واقع در مرزهای مصر و غزه پس از بهار عربی				
۱۰.۵		۱		۱		۱	
۲.۶۲		۳		۳		۲	
		-۴		۳		۳	
		-۶		۲.۵			

نتیجه‌گیری

استراتژی پیشنهادی

شکل ۱: منحنی استراتژی پیشنهادی



$$\begin{array}{rcll}
 \text{IS} & + & \text{CA} & = \\
 ۱۲ & & & (-۱۴) = -۲ \\
 \text{FS} & + & \text{ES} & = \\
 & & & ۱۳ + (-۱۰,۵) = ۲,۵
 \end{array}$$

نتیجه مناقشات و منازعات در جریان بهار عربی برای اسرائیل هر چه باشد، هیچ دولتی در خاورمیانه، حتی دولت‌های حامی اسرائیل در منطقه (مصر و اردن) هر چه قدر قدرتمند و پر نفوذ باشند به لحاظ سیاسی و دیپلماتیک بر پایه جو سیاسی و ضد اسرائیلی موجود در منطقه قادر نخواهند بود با اسرائیل پیمان صلح امضا کنند. اکنون منطقه احترام کمتری به برقراری صلح با اسرائیل از خود نشان می‌دهد. اسرائیل باید برای فرو رفتن در انزوی بیشتر منطقه‌ای خود را آماده سازد.

این نکته قابل تامل است که اندکی پس از سقوط مبارک دولت نظامی مصر برای دریافت

کمک‌های نظامی و اقتصادی آمریکا تمایل خود بر پایداری به تعهدات بین‌المللی (پیمان صلح ۱۹۷۹ مصر با اسرائیل) را اعلام کرد. البته باید توجه داشت که صلح سرد بین قاهره و اورشلیم که در دوران مبارک وجود داشت، مطمئناً پس از بهار عربی رو به سردی بیشتری خواهد گرایید. در این بین با توجه به دشمنی اخوان المسلمین (مهمترین نیروی سیاسی و سازماندهی شده غیر دولتی ضد اسرائیلی) با رژیم صهیونیستی، در فضای صلح سرد ایجاد شده میان اورشلیم و قاهره، دولت مصر به منظور کاستن از دامنه تظاهرات‌ها با اخوان المسلمین ائتلاف بسته است. علاوه بر این افزایش قدرت سیاسی اخوان المسلمین در منطقه در جریان بهار عربی و افزایش میزان پذیرش اخوان المسلمین در سطح بین‌المللی پس از بهار عربی نگرانی عمیق‌تری را برای اسرائیل به همراه داشته است. در نتیجه ایجاد حس نزدیکی بین اورشلیم و واشنگتن یکی از اهداف اصلی دولت یهود بوده است، اما در سال‌های گذشته رویکرد حزب دموکراتیک آمریکا تردیدهای زیادی درباره اصل بنیادین و سنتی برای رژیم صهیونیستی ایجاد کرد. البته آشفتگی‌های خاورمیانه به ویژه در زمان روی کار آمدن حزب جمهوری خواه آمریکا بار دیگر بر جایگاه اسرائیل به عنوان قابل اعتمادترین هم‌پیمان منطقه‌ای واشنگتن تأکید کرد و همین موضوع تاحدی باعث آرامش خاطر اسرائیل شد. اما دولت آمریکا در زمان اوباما همواره ثابت کرد که حاضر است هم‌پیمانان سابق خود را فدای کسب هم‌پیمانان جدید کند.

اسرائیلی‌ها با توجه به تجربه خود در زمان قدرت‌یابی دموکرات‌ها در آمریکا به ویژه در زمان ریاست جمهوری اوباما از اینکه همیشه قادر به اتکا صد در صد به حمایت‌های دیپلماتیک اقتصادی و نظامی آمریکا در زمان حمله به کشور خود نیستند بسیار نگرانند. از این رو اسرائیل نه تنها بر قدرت نظامی و توانایی‌های خود برای شکست همسایگانش تکیه دارد، بلکه همچنین به این حس که واشنگتن در صورت نیاز به کمک اورشلیم خواهد آمد، نیز وابستگی شدید دارد. در جریان انقلاب‌های بهار عربی و ایجاد جو ضد اسرائیلی و در نتیجه کاهش نفوذ سیاسی و دیپلماتیک اسرائیل در منطقه، رژیم صهیونیستی به خوبی می‌داند انقلاب‌های اخیر منجر به وحدت و انسجام کشورهای عربی در جنگ با اسرائیل خواهد شد. شایان ذکر است که این آشفتگی‌های سیاسی در خارج از مرزهای اسرائیل هم اکنون شروع به تولید تهدیدات امنیتی ستیزه جویانه بر ضد رژیم صهیونیستی کرده است.

منابع و ماخذ:

- اسرائیل الیوم (۲۰۱۱)، القلق: نظام اسلامی.
- القناه الثانيه (۲۰۱۱)، لقاء مع بن اليعازر حول الوضع في مصر.
- القناه العاشره (۲۰۱۱)، يستطيع المتطرفون استغلال الانقلاب.
- القناه العاشره (۲۰۱۱)، مصر ديمقراطيه لاتمثل تهديدا.
- جاب، ديويود (۱۹۹۷)، پارامترهای قدرت ربطی.
- جکسون، ریچارد (۱۹۹۳)، حاکمیت روابط بین الملل در جهان سوم، انتشارات دانشگاه کمبریج.
- شاذلی، سعد الدین (۱۳۸۵)، جنگ اکتبر ۱۹۷۳، ترجمه بیژن لفتخاری جواهری، تهران: اطلاعات.
- صالح، محسن (۱۳۹۶)، انقلاب‌های عربی و مسئله فلسطین تاثیر تحولات کشورهای عربی بر مسئله فلسطین.
- صحیفه اسرائیل الیوم (۲۰۱۱)، یوسی ایلین، این هواوباما؟، ۳۰ ینایر ۲۰۱۱.
- صحیفه معاریف (۲۰۱۱)، ایران تسطیع حیازه سلاح نوی خلال عامین، ۲۵ ینایر ۲۰۱۱.
- صحیفه هارتس (۲۰۱۱)، مطلوب من مصر الحافظ علی السلام، ۲ فبرایر ۲۰۱۱.
- کاساگراندا، روی (۱۳۸۹)، انقلاب پان عرب، مهنرنامه، شماره ۹.
- گریفیس، مارتین (۱۳۸۸)، دانشنامه روابط بین الملل و سیاست جهان، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
- موقع اذاعه الجیش الاسرائیلی (۲۰۱۱)، یهود الولايات المتحده قلقوه علی القدس.
- موقع الاخباری (۲۰۱۱)، الاضطرابات لیست مفاجئه موقع و الاالاخیاری.
- میلیکن، جورج (۱۹۹۲)، شکست دولت، سقوط و بازسازی، انتشارات اکسفورد بلک ول
- یدیعت اخرونوت (۲۰۱۱)، میرکل فی تل آیبب: اسرائیل تضيع فرصه تاریخ، ۱ فبرایر ۲۰۱۱.
- یدیعت اخرونوت (۲۰۱۱)، نتانیاھو یرفع میزانیه وزاره الدفاع، ۲۰ فبرایر ۲۰۱۱.